



فهرست مطالب

- ۲..... بررسی آیه استیذان در اوقات ثلاثه
- ۲..... دلالت آیه شریفه بر دو تکلیف
- ۳..... استعمال امر «لَيْسْتَ أَذْنُكُمْ» در جامع وجوب و ندب
- ۳..... الغاء خصوصیت از اوقات و مرات ثلاثه
- ۳..... اشعار آیه به وجود نظم و انتظام در روابط زناشویی
- ۴..... مراد از «وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ» صبی ممیز
- ۴..... عدم اختصاص محل بحث به فرزندان شخص
- ۵..... توسلی بودن وجوب این تکلیف
- ۵..... شمول آیه نسبت به دختر و پسر نابالغ
- ۵..... ناظر بودن آیه به بحث تربیتی
- ۶..... به منزله علت بودن عبارت «طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ»
- ۷..... حکم استیذان بعد از بلوغ
- ۷..... محوریت آیه وقایه در آیات محل بحث



بسم الله الرحمن الرحيم

بررسی آیه استیذان در اوقات ثلاثه

بحث در وظایف تعلیمی و تربیتی خانواده می‌باشد. البته هرچند در ابتدا بحث در وظایف تعلیمی و آموزشی بود اما از آنجاکه آیات و روایات محل بحث نسبت به وظایف تربیتی هم شمول داشت، هم از وظایف تعلیمی و هم از وظایف تربیتی خانواده بحث می‌کنیم البته در جای خود در مورد وظایف تربیتی به‌طور مبسوط بحث خواهیم کرد. در جلسات قبل یازده آیه مربوط به وظایف پدر و مادر و خانواده در قبال فرزندان و خانواده مطرح شد که آخرین آیه که مطرح آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» نور/۵۸ می‌باشد. برخی نکات در ذیل این آیه مطرح شد و نکات دیگری هم باقی‌مانده است که ابتدا به‌مرور نکات مطرح شده می‌پردازیم و در ادامه نکات باقی‌مانده را مطرح می‌کنیم.

دلالت آیه شریفه بر دو تکلیف

در جلسه قبل بیان کردیم که آیه شریفه مشتمل بر دو تکلیف و امر می‌باشد، یکی امر و خطاب به پدر و مادر و اولیا نسبت به تربیت و آموزش فرزندان در مورد بحث خاص ادب زناشویی و تعامل فرزندان با والدین و دپگری امر و تکلیفی است که مربوط به خود فرزندان می‌باشد و موظف هستند در اوقات ثلاثه از پدر و مادر اذن بگیرند. شاهد دیگری که در ذیل آیه علاوه بر آنچه در جلسه قبل نسبت به وجود دو تکلیف در آیه ذکر شد، عبارت «لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ» می‌باشد. در این قسمت از آیه خداوند متعال می‌فرماید در غیر این اوقات ثلاثه جناح و تکلیفی بر عهده شما (پدر و مادر) و آن‌ها (فرزندان) وجود ندارد که این خود بیانگر وجود دو تکلیف یکی نسبت به اولیاء و پدر و مادر و دیگری نسبت به فرزندان و ایمان می‌باشد.



استعمال امر «لِیَسْتَأْذِنُكُمْ» در جامع وجوب و ندب

مطلب دیگری که در جلسه مطرح شد این سؤال بود که امر «لِیَسْتَأْذِنُكُمْ» دال بر وجوب است یا ندب؟ در پاسخ به این سؤال بیان کردیم که امر «لِیَسْتَأْذِنُكُمْ» در جامع وجوب و ندب به کار رفته است و این امر نسبت به ایمان بالغه دال بر وجوب و الزام است و نسبت به ایمان غیر بالغه و همچنین فرزندان غیر بالغ دال بر ندب و حکم غیر الزامی می باشد حال چه به نحو مولوی استحبابی و یا به نحو ارشادی و یا تمرینی بنا بر مبانی مختلفی که در بحث عبادات صبی وجود دارد. در مباحث اصول بیان شد که دلالت امر به وجوب به اطلاق می باشد و چون به اطلاق است، استعمال آن در معنای مشترک بین وجوب و ندب همراه با قرینه مانعی ندارد همان طور که استعمال یک امر در مولوی و ارشادی مانعی ندارد که به بعداً از آن بحث خواهیم کرد.

الغاء خصوصیت از اوقات و مرات ثلاثه

بحث دیگری که در جلسه قبل به آن پرداختیم، بحث الغاء خصوصیت در این آیه می باشد و در حقیقت پیام و مفهوم آیه این است که به فرزندان خود بیاموزید که در مواقع خلوت جهت ورود اذن بگیرند ولی از عددی که در آیه ذکر شده و همچنین زمان هایی که در آیه ذکر شده است، الغاء خصوصیت می شود و این مواقع خلوت ممکن در زمان ها و مکان ها و عرف های مختلف و همچنین نسبت به خانواده های مختلف متفاوت می باشد و آنچه پیام آیه است این است که مؤمنین و پدر و مادران به فرزندان بیاموزند و آن ها را تمرین دهند که در مواقع خاص که در مظان روابط زناشویی است، جهت ورود اذن بگیرند و این ادب در آن ها ترسیخ و تحکیم یابد و مرات ثلاثه همچنین زمان هایی که ذکر شد یعنی قبل از نماز صبح و هنگام استراحت ظهر و همچنین بعد از نماز عشاء موضوعیتی ندارد.

اشعار آیه به وجود نظم و انتظام در روابط زناشویی

نکته و پیام دیگری که در این آیه شریفه وجود دارد، حتی اگر دلالت فقهی و اصولی آن را نپذیریم، حداقل اشعاری به ویژه با ضمیمه کردن برخی روایات به آن وجود دارد این است که وجود نظم و انتظام در روابط زناشویی در خانه، مناسب و ممدوح است و لابلایگیری در این روابط مناسب نیست چون مشاهده این روابط و پی بردن فرزندان به وجود چنین روابطی نقش مهمی در الگو گیری و تهییج و بلوغ زودرس فرزندان دارد و موجب مشکلاتی می شود و



این نظم و انتظام نقش مهمی در مباحث اجتماعی و خانوادگی دارد. البته این نکته جای بحث بیشتری دارد که در جای خود باید بحث شود.

مراد از «وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ» صبی ممیز

نکته و سؤال دیگری که در ذیل این آیه وجود دارد، این است که مراد و مقصود از «وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ» صبی ممیز می‌باشد و یا اینکه این عبارت شامل صبی غیر ممیز هم می‌شود؟ در پاسخ باید گفت از آنجاکه در آیه دو تکلیف وجود دارد و یکی از آن‌ها متوجه صبی است (و به نحوی محل بحث ابلغ و آكد از مسئله امر به امر می‌باشد چون در اینجا در امر و تکلیف دوم یعنی «لَيْسَتَاذْنِكُمْ» به‌طور مستقیم «الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ» مورد خطاب قرار گرفته‌اند، حال چه قائل شویم آن تکلیف و امر استحبابی است و یا اینکه تمرینی صرف) مراد از صبی، صبی ممیز می‌باشد که درک این مطالب را دارد و اجمالاً این نوع مسائل را می‌فهمد و صبی غیر ممیز مراد نیست. البته آنچه در اینجا مطرح کردیم در مورد دلالت همین آیه می‌باشد اما ادله دیگری وجود دارد که ارتباط جنسی و از این قبیل رفتارهایی که موجب الگودهی نامناسبی برای اطفال می‌شود، در اتاقی که طفل غیر ممیز وجود دارد و حتی در موقع خواب او صورت نگیرد اما آیه محل بحث فقط شامل صبی ممیز می‌شود.

عدم اختصاص محل بحث به فرزندان شخص

نکته و سؤال دیگری که در ذیل بررسی این آیه وجود دارد این است که مراد از «لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ» فرزندان شخص و خانواده است و یا اینکه اعم از فرزندان شخص و خانواده می‌باشد؟ به نظر می‌آید در اینجا دو احتمال وجود دارد، احتمال اول این است که با توجه به مجموع قرآینی که در آیه وجود دارد، فضای خانوادگی، یک فضای خانوادگی است و همچنین با توجه عبارت «مِنْكُمْ» که بعد از عبارت «لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ» آمده است، مراد فرزندان شخص و خانواده است اما بعید نیست که علی‌رغم قرآینی که بر احتمال اول وجود دارد، احتمال دوم که اطلاق و شمول آیه نسبت به هر نابالغی که به نحوی با خانواده در ارتباط است، را بپذیریم و بگوییم درست است که فضای بحث یک فضای خانوادگی است اما این‌گونه نیست که فضای آیه ارتباط با فرزندان شخص و خانواده داشته باشد بلکه هر نابالغی که به نحوی با این خانواده در ارتباط است مشمول آیه می‌شود و شاهد آن نیز عبارت «طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ» می‌باشد و لفظی هم وجود ندارد که بر فرزند و اولاد دلالت کند بلکه عبارت «لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ»



در آیه وجود دارد که پیش تر به واسطه قرینه مناسبت حکم و موضوع بیان کردیم که اطلاق و شمول ندارد اما این که بگوییم مقید به فرزند باشد، دلیلی ندارد بلکه مراد هر نابالغی است که به نحوی با خانواده در ارتباط است مانند فرزندان خواهر یا برادر یا دیگر خویشان که در خانواده رفت و آمد دارد. پس مراد از احتمال دوم اطلاق و شمول نسبت به نابالغ‌هایی است که به نحوی در خانواده رفت و آمد دارد که در این صورت این اصل تربیتی، یک اصل تربیتی عامی می‌باشد که ارتباط به فرزند شخص ندارد بلکه شخص علاوه بر فرزند خود، نسبت به فرزندان که تحت سرپرستی او هستند و یا هر نابالغی که به نحوی با خانواده در ارتباط است، این وظیفه تربیتی را دارد و موظف است ادب اذن گرفتن جهت ورود در این مواقع خاص را به افراد نابالغ بیاموزد.

توسلی بودن و جوب این تکلیف

نکته دیگری که در مورد این تکلیف وجود دارد این است که این تکلیف دارای وجوب توسلی می‌باشد و اگر شخص دیگری این ادب را آموخت مانند همسایه که وظیفه او نیز آموزش و یاد دادن این ادب استیذان می‌باشد و یا اینکه حتی اگر شخصی وظیفه‌ای در این مورد ندارد، این واجب از عهده شخص ساقط می‌شود.

شمول آیه نسبت به دختر و پسر نابالغ

نکته دیگری که در ذیل این آیه وجود دارد این است که ظاهر عبارت «وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ» شمول دارد و هم شامل پسر می‌شود و هم شامل دختر و فرقی بین آن دو نیست اما در مورد عبارت «الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ» برخی گفته‌اند فقط شامل عبید می‌شود و اِماء را در بر نمی‌گیرد ولی طبق روایاتی که در ذیل آیه وارد شده‌اند، اِماء را داخل در محل بحث می‌دانند.

ناظر بودن آیه به بحث تربیتی

نکته و سؤال دیگری که در ذیل این آیه وجود دارد این است که آیا این آیه ناظر به تعلیم است و یا ناظر به تربیت طفل نابالغ؟ این آیه به صراحت نفرموده بود که طفل را امر کنید یا تعلیم دهید یا تربیت کنید بلکه ما از یک نکته فنی در آیه استفاده وجود دو تکلیف در آیه کردیم و آن نکته فنی این بود که این آیه با عبارت «لَيْسَتَاذِنُكُمْ» شروع نشده بود بلکه با عبارت «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» آغاز شده و سپس عبارت «لَيْسَتَاذِنُكُمْ» آمده است و بیان شد برای اینکه

این خطاب و امر به دیگری لغو نباشد و همچنین به قرینه عبارت «لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ» دو تکلیف در اینجا وجود دارد یکی خطاب به مؤمنین و مسئولیتی که بر عهده آنها است و دیگری تکلیفی که متوجه افراد نابالغ شده است و این بدین معنا است که این اطفال باید اذن بگیرند حال چه به نحو وجوبی یا استحبابی و یا ترجیحی به خلاف برخی آیات که به صراحت تکلیف و مسئولیت متوجه به مؤمنین ذکر شده است و آنها را مکلف به امر و نهی کردن، کرده‌اند مانند آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» التحريم / ۶ و «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ» طه / ۱۳۲ و حذف متعلق در آیه استیذان دلیل بر عموم است و آنچه می‌توان در مورد این آیه گفت این است که در اینجا کلمه امر نیست بلکه مؤمنین وظیفه‌ای اعم از امر کردن دارند و وظیفه آنها تربیت به معنای عام است یعنی باید اطفال نابالغ را به استیذان مؤدب کنند و تربیت دهند و همه مراحلی که در تربیت وجود دارد مانند آموزش اولیه، تمرین و ممارست، یادآوری و امر کردن، در اینجا وجود دارد و صرف امر کردن نیست. پس آیه ناظر به آموزش و تعلیم صرف نیست بلکه ناظر به یک مسئله تأدیبی و تربیتی می‌باشد.

به منزله علت بودن عبارت «طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ»

نکته دیگری نیز در این آیه وجود دارد که جنبه فقهی ندارد و این نکته درباره چگونه معنا کردن عبارت «طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ» در آیه می‌باشد. گاهی عبارتی تعلیل است و گاهی به منزله تعلیل می‌باشد. تعلیل جایی است که ادات تعلیلی در آیه وجود دارد اما به منزله تعلیل مواردی است که ادات تعلیل وجود ندارد ولی در موضع تعلیل می‌باشند مانند عبارتی نظیر «وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» که در آخر آیات آمده است و بنا بر قولی که علامه در المیزان هم آن را پذیرفته است به منزله تعلیل می‌باشند. در محل بحث هم عبارت «طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ» به منزله تعلیل می‌باشد، و آیه شریفه متضمن نکته زیبایی است و آن این است که بعد از این اوقات خاصه بر شما و آنها جناحی نیست و تکلیفی وجود ندارد برای اینکه «طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ» یعنی برای اینکه رفت‌وآمد دارید و این بحث رفت‌وآمد موضوعی است که نباید جلوی آن را گرفت، در واقع آیه شریفه می‌فرماید ما این سخت‌گیری را در غیر این اوقات خاصه برداشتیم به خاطر آزادی رفت‌وآمد کودکان و این رفت‌وآمد اطفال و ارتباط با خانواده باید سهل و آسان باشد. البته اگر این عبارت را حکمت هم بدانیم، هم این نکته وجود دارد ولی اگر به منزله تعلیل بدانیم از این عبارت حکم استخراج می‌شود به خصوص که قبل از آن عبارت «لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا



عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ» می‌باشد. روش قرآن هم این‌گونه است که در بیان جنبه‌های غیر فقهی مسئله را مدنظر قرار می‌دهد.

حکم استیذان بعد از بلوغ

نکته آخر هم در اینجا مربوط به آیه «وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» نور/۵۹ می‌باشد که اطفال بعد از بلوغ احکام کلی بر آن‌ها جاری است و دیگر آن فضای استیذان تربیتی و تأدیب جاری نیست و طبق قواعد اولیه باید عمل شود.

محوریت آیه وقایه در آیات محل بحث

نکته پایانی هم که به آن اشاره شد و مجدداً ذکر می‌کنیم این است که در روش تفسیری قرآن معمولاً به این شکل است که بسیاری از آیات قرآن کریم منظومه‌هایی را حول یک موضوع تشکیل می‌دهند که یکی از آیات محور بحث و دیگر آیات به بررسی جنبه‌های مختلف آن موضوع می‌پردازند در محل بحث هم که وظایف تعلیمی و تربیتی خانواده است آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» التحريم / ۶ محور بحث می‌باشد و دیگر آیات به جنبه‌ها و زوایای مختلف بحث پرداخته‌اند به‌طور مثال آیه «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ» طه / ۱۳۲ به جنبه‌های عبادی و آیه ۵۸ سور نور به بحث تربیت جنسی پرداخته است و دیگر آیات نیز به زوایای دیگر پرداخته‌اند. در مجموع نکات زیادی در ذیل این آیات مختلف مطرح کردیم که برخی از این نکات خاص برخی آیات بود و برخی هم بین برخی آیات مشترک بود.